

نقش بخش خصوصی در بزرگداشت روز جهانی مقابله با بیابان زایی

منابع طبیعی، بستر حیات و توسعه پایدار کشور و پشتوانه بخش کشاورزی محسوب می‌شود و نقش آن در تولید و حفظ خاک، تامین غذا، تولید اکسیژن و تلطیف هوا و غیره بر کسی، پوشیده نیست و با توجه به مفاهیم توسعه پایدار، این مواهب الهی، میراث گذشتگان ما نیست بلکه امانت نسل‌های بعدی در نزد ماست که می‌بایست بدرستی حفظ شده، توسعه یافته و بهره‌برداری شوند. متأسفانه تخریب سرزمین (بیابان زایی) و کاهش حاصلخیزی اراضی در کنار دو چالش تغییر اقلیم و کمبود آب شیرین به عنوان سه چالش مهم جامعه جهانی در قرن ۲۱ محسوب می‌شود. خوشبختانه سازمان ملل متحد از ۱۷ ژوئن (برابر با ۲۸ خرداد) سال ۱۹۹۴، کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بیابان زایی (UNCCD) را تاسیس نموده است تا بستر مناسب جهت همکاری و همگرایی در بین دست‌اندرکاران ذیربط در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی در مقابله با روند تشدید این معضل و همچنین کاهش تبعات منفی آن فراهم شود.

رشد روزافزون جمعیت، کاهش حاصلخیزی اراضی (کشاورزی، جنگلی و مرتعی) در اثر بهره‌برداری بی‌رویه و غیراصولی، بوته‌کنی، چرای مفرط و خارج از فصل دام در مراتع، تبدیل مراتع به دیمزار، برداشت بی‌رویه آب از سفره‌های آب زیرزمینی، معدن‌کاوی و بهره‌برداری از معادن، جاده‌سازی و توسعه شهرها و روستاها و برخی سیاست‌های ناکارآمد در زمینه کشاورزی، گسترش بی‌وقفه بخش صنعت و خدمات، شرایط خاص اقتصادی کشور و ارزش افزوده زمین (که سبب ایجاد انگیزه در رابطه با رانت‌خواری و زمین‌خواری شده است)، و از طرف دیگر، لزوم اجرای پروژه‌های عمرانی در راستای توسعه کشور، استفاده و بهره‌برداری از اراضی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید اما چنانچه سیاست‌گذاری‌ها و بهره‌برداری‌ها، بصورت شتاب‌زده و بدون توجه به اصول آمایش سرزمین، توان اکولوژیکی و استعداد ذاتی اراضی باشد، نتیجه‌ای جز تشدید روند تخریب و اتلاف سرمایه‌ها ندارد که یکی از مصادیق بارز آن، هجوم ریزگردهاست که نه تنها فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی را تعطیل می‌نماید بلکه بقاء و سلامتی مردم را نیز تهدید می‌نماید.

با توجه به محدودیت‌های موجود در بخش منابع طبیعی و تخریب و خسارات عدیده وارده بدلیل بهره‌برداری بی‌رویه و یا نامناسب و از طرف دیگر شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی کشور ایجاب می‌نماید تا بجای تحمیل فشارهای مضاعف بر بخش منابع طبیعی، در سایر بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات، گردشگری و طبیعت‌گردی (اکوتوریسم) و ... سرمایه‌گذاری بیشتری صورت پذیرد. جای تأسف است که بعضاً بهره‌برداری‌های غیراصولی و بیش از توان اکولوژیکی عرصه‌ها، نه تنها سبب تخریب و اتلاف منابع ذیقیمت آب، خاک و پوشش گیاهی (تنوع زیستی) در بالادست حوضه‌های آبخیز می‌شود بلکه سبب اتلاف و تضییع سرمایه‌گذاری‌ها در پایین‌دست می‌گردد که مثال بارز آن پر شدن مخازن سدها از رسوبات (کاهش عمر مفید آنها)، خسارات ناشی از سیل و زمین لغزش بر تاسیسات زیربنایی، راه‌های ارتباطی، مزارع کشاورزی و تاسیسات پرورش آبزیان، شهرها و آبادی‌ها و غیره و همچنین مشکلات عدیده زیست‌محیطی موجود است.

عوامل اصلی تخریب سرزمین

- پایین بودن سطح آگاهی مردم و مسئولین در مورد نقش و اهمیت منابع طبیعی و خدمات زیست‌محیطی اکوسیستم‌ها
- روش‌های نادرست بهره‌برداران محلی در زمینه‌های کشاورزی و دامپروری
- نیازمندان (افراد فقیر و محروم و در حاشیه مانده)
- حرص و طمع آزمندان و سودجویان و رانت‌خواران

- افزایش جمعیت و کمبود منابع
- برخی سیاست‌های نادرست و ناکارآمد
- خلاءها و یا رویهم‌افتادگی‌های برخی قوانین و مقررات
- کمبود ضوابط و استانداردهای فنی مورد نیاز
- چالش‌های زیست محیطی جهانی و منطقه‌ای (نظیر تغییر اقلیم، خشکسالی‌های متوالی، بیابان‌زایی، هجوم ریزگردها، به خطر افتادن تنوع زیستی و ...)
- و ...

بدیهی است که عوامل تخریب سرزمین، کاهش تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و در ایجاد پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از زوال اکوسیستم‌های حیاتی نظیر فقر و محرومیت، نقش بسزایی دارند.

تجربیات جهانی در زمینه بهره‌برداری اصولی از منابع

- توجه به اهداف توسعه پایدار و مدیریت پایدار سرزمین (Sustainable Land Management-SLM)
- ضرورت ارزیابی زیست محیطی دقیق و صحیح از پروژه‌های عمرانی در دست مطالعه و اجرا
- لزوم مشارکت فعال مردم و بهره‌برداران محلی در کلیه مراحل طراحی و اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌ها
- تاکید بر پایش و ارزشیابی پروژه‌ها با رویکرد مشارکتی
- ضرورت جامع‌نگری، هماهنگی، نگرش سیستمی، کل‌نگری و ...
- تبعیت از نظام برنامه‌ریزی و مدیریت نتیجه‌محور (Result Based Management (RBM)

آموزه‌های گرانقدر دین مبین اسلام و آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه مدیریت اصولی و پایدار منابع و افزایش بهره‌وری، حاکی از آن است که می‌بایست حداکثر تلاش جهت استفاده درست و اصولی از این منابع در راه رسیدن به اهداف متعالی و درست (صحیح)، بعمل آید. در غیر این صورت، همه بخش‌های عمومی و خصوصی دچار خسارات ناشی از تخریب سرزمین و بیابان‌زایی گشته و بخصوص سرمایه بخش خصوصی در معرض خطر است. با توجه به این که در کشور ما سه عامل عمده در تخریب محیط زیست و منابع طبیعی عبارتند از:

۱- کم اطلاعی و ناآگاهی بهره‌برداران محلی ۲- نیاز نیازمندان (افراد کم درآمد و محرومین) ۳- حرص و طمع آزمندان، بنابراین تحقق اصول و مبانی توسعه پایدار (که علاوه بر ملاحظات اقتصادی به ملاحظات اجتماعی - فرهنگی، زیست محیطی و حکمرانی خوب، تاکید دارد) می‌تواند نقش بسزایی در حفاظت و صیانت از این منابع ذیقیمت و حیاتی داشته باشد. از طرف دیگر، با توجه به گستردگی و پیچیدگی‌های موجود، مطمئناً دولت، به تنهایی قادر به حل این مشکلات و معضلات نخواهد بود و بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد و در سطح محلی، کلیه بهره‌برداران از منابع پایه (آب، خاک و پوشش گیاهی) می‌بایست وارد این کارزار شوند. امید است عزمی ملی جهت تحقق انسجام سازمانی، هماهنگی بین بخشی و همکاری همه دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی و نظارتی در حفظ، اصلاح، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از این منابع، ایجاد گردد. یقیناً بخش خصوصی در راستای پایداری منابع که ملاً رونق کسب و کار را در پی دارد، طرفدار اقداماتی در این زمینه می‌باشد.